###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

نقـد مبـاني فـكري انجمن حجتيه

**استاد راهنما:**

**تهيه و تنظيم :**

فـهرست مطالـب

عنوان صفحه

**فصل اول**

كليات 4

**فصل دوم**

2-1- توصيف 11

2-1-1- عقلائيت و خرد ورزي 11

2-1-2- نفي اخباري گري 12

2-1-3- نفي عقل فلسفي 13

2-1-4- مفهوم عقل در ديدگاه تفكيك 16

2-1-5- كيفيّت پيدايش معرفت 22

2-1-6- ارزش معلومات 34

2-1-7- فلسفه ستيزي 38

نفي فلسفه به صراحت 39

استدلال بر تباين كلّي فلسفه و شريعت 40

2-1-8- از افراط تا تعديل ( از فلسفه ستيزي تا فلسفه پذيري ) 47

2-2- تحليل 61

2-2-1- واژه شناسي 61

معرفت شناسي 61

2-2-2- پيشفرضها 62

2-2-3- پيشفرضهاي رقيب 63

2-2-4- لوازم پيشفرضها 64

2-2-5- نظام بحث 65

2-3- نقد وبررسي 67

2-3-1- نقد زباني 67

2-3-2- سازگاري دروني 68

2-3-3- سازگاري بروني 70

2-3-4- سازگاري با واقع 72

منابع و مآخذ 88

فصل اول

کلیـات

شهر مقدس مشهد در برهه ای مغفول از حکمت و فلسفه و در خلأ عالمان متعمق و حکیم ، مواجه بروز افکار حادّ و خصمانه در مبارزه با حکمت شد ، چهره فلسفه ستیزان عنوان گرفته از عالمانی شد که خود را تنها وارث علم و دانش نبوی و طریقه سلوک علمی و عملی خود را انحصارا برگرفته از متن دین و معارف ناب اهل بیت عصمت و طهارت میدانستند و هر گونه تفسیر و برداشت خود را از آیات و روایات صرفا عین مراد شریعت و دین قلمداد می کردند .

این بزرگان چنان خصومت زایدالوصفی با روش های فلسفی و عرفانی در قلمرو تفکر دینی ابراز می داشتند که تنها وجه ممیز خود را با سایر عالمان دینی که به تعمق و تفکر درباره متون فلسفی دین می پرداختند احیای فلسفه ستیزی و عرفان زدایی توسط استاد و شاگردانش با وجهه مذکور سرگذشت شنیدنی دارد . این سرگذشت توسط یکی از هواداران این مدرسه به کتابت درآمد و در اوایل دهه هفتاد شمسی به نام "مکتب تفکیک" منتشر شد ، البته این طرح گسترده تر از راه و رسم مرسوم و واقع این جریان بی نام تا آن زمان بود و فکر و ایده هایی بود که آن نگارنده برای تبلیغ و ترویج مشی دل داده خود به آن تعلیق کرده بود اما در مشی و مرام بزرگان و سایر همگنان او از اعمال این دقایق و ظرایف نه تنها خبری نیست که بر خلاف آن بسیار واضح ، مطلب وجود دارد . به هرصورت از آن زمان به بعد نام "تفکیک" عنوانی شد تا به این "مدرسه" و پیروانش تشخص بدهد و جمع این عالمان و مشی فکری آنها را نشانه ای باشد .

شاگردان چندی در این مشی و مرام پرورش یافتند و هرکدام به فراخور استعداد و میل درونی شیوه ای برای اداء دین به استاد و ترویج تفکرات وی برگزیدند استادی که شاگردانش او را با غلو مفرط بحری قمقام و زخار و گفته های او را وحی منزل و فرصت هرگونه سوال درباره او را از خود زدوده و حتی چون و چرا در این باره را خروج از تدین تلقی می کردند ، برخی از شاگردان که دست به قلم بودند دریافت ها و یاداشت های خود از دروس استاد را عینا یا با کمی تفاوت تحریر کردند و متناوب منتشر کردند برخی دیگر که در حال و هوای وعظ و منبر و سخنرانی سیر می کردند نقش خود را در این زمینه بروز دادند . جمع همه این تلاش ها همه مکمل یکدیگر بود که با تمرکز بر قلمرو باورها به ویژه برخی مسائل معرکه آرا بین دانشمندان دینی فقط درباره مبدأ و معاد آنهم فقط مسائلی که علیه فلسفه و عرفان توشه فراهم آورد ، دور می زد .

ابتدای سخن و نوشته آنها مستقیم یا غیر مستقیم معارضه با عرفان و فلسفه اسلامی و انتها هم به همان جا ختم می گردد استدلال و استنتاج هر دو ، یک چیز را هدف می گیرد . این خصومت زاید الوصف همه وام گرفته از استادی است که سرنوشت او خود جالب است . گرچه شاگردانش او را تا حد شخصیتی نظرکرده و تشرف حاصل کرده و دست خط از امام غائب در دست می نگرند و مستند حجیت همه گفتارهای او ! چنین جمله ای را حاصل همان تشرف میدانند ! اخذ المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا .

نقطه عطف سخنان و نوشتار این بزرگان تحذیر بلیغ و توصیه اکید بر احتراز از فکر فلسفی و شیوه عرفانی است ، گویا تنها رسالت دین و تکلیف دینی این بزرگان کوبیدن فلسفه و عرفان است و البته این ها همه از نعمت درسهایی است که استاد آنان سرلوحه مشی خود قرار داده و بلوایی عظیم تر از رسوخ و یا پیدایش فکر فلسفی در حوزه فکر اسلامی پیدا نکرده است .

در بین این شاگردان وفادار به مرام استاد ، شیخ محمود تولایی مشهور به "حلبی" بیش از همه مقید و مروج فکر او گشت ، وی در منابر و در بین عموم مردم بی نشان و با نشان به ترویج یکسره این شیوه پرداخت . او با نوشتن دروس استاد و به اصطلاح تقریرات درسی ، نقش مهمی در محفوظ ماندن دروس وی ایفا کرد .

وی یکسره به تقریرنویسی از دروس استاد با خط چشم نواز پرداخت اما به انتشار آنها نپرداخت و در سالهای پایانی عمر همه دستنوشته های خود را به مرکز اسناد آستان قدس رضوِی تحویل داده است .

زندگی شیخ محمود حلبی با تأسیس انجمن ضد بهائیت موسوم به "انجمن حجتیه" بسیار پرماجرا است ، انجمنی بسیار پر رمز و راز چه پیش از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن ، انجمنی که مشخصه اصلی آن عدم دخالت در امور سیاسی و کنار نهادن سیاست از قلمرو فعالیت دینی آنان است . آنان خود اگر چه توجیه عوام پسند برای اتخاذ این مرام دارند اما به آسانی می توان در آینه مبانی فکری شان علت کناره گرفتن آنها را از سیاست مشاهده نمود .

نگرش انحصار گرایانه به دین و منحصر دانستن تفکر دینی در آن چه استاد آنان به آنان القا کرده ، حاصلی بیش از این نمی تواند داشته باشد موج توفنده انقلاب اسلامی چنان چه حکومت طاغوتی را برافکند و نوید بخش حکومت جهانی منجی عالم بشریت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف شد ، مجال از اندیشه های یکسویه و یا انحرافی از مهدویت را نیز به زاویه راند ، انجمن مزبور که در تربیت نیروهای نفوذی و اِعمال پنهان کاری ید طولی داشت و در دوره طاغوت بسیار این ترفند آزموده و تمرین کرده بود بعد از انقلاب اسلامی نیز همان شیوه را با زبردستی دنبال نمود و اعضای خود را بی نام و نشان به مصادر امور کشوری فرستاد و زمینه تسلط بر مصادر حکومتی را برای خود فراهم آورد و به این وسیله در القای فکر خود مبنی بر ناکارآمدی حکومت ها و تفکیک دین از سیاست در زمان غیبت عملا دست به کار شد .

رهبری داهیانه امام خمینی که مدتها قبل انقلاب اسلامی وسوسه تفکیک دین از سیاست را زهری مسموم بر اسلام ناب می دانست و در موضع گیری های پیامبرگونه خود واکنش سختی با این فکر انحرافی نشان داده و دلسوزان واقعی اسلام را با این انگاره آلوده به اغراض دشمنان هشدار فراوان داده بود ، با پیروزی انقلاب اسلامی انجمنی ها به لانه خزیدند و سر در لاک چاره جویی فروبردند و با القای انحراف مزبور ایده پوسیده تفکیک دین از سیاست را به گونه های ممکن دنبال کردند و به اصطکاک با منویات امام خمینی و آرمان ناب اسلام برخاستند ، امام خمینی با تحذیر و هشدار از این موضع مخرب به سخنرانی و بیان زاویه های انحرافی آن پرداختند . سخنرانی امام خمینی به اعلام تعطیلی انجمن از سوی ریش سفیدان ! آن انجامید اگر چه با سابقه مدید پنهان کاری این انجمن ، این هم ترفندی بود برای فعالیت اما به صورتی دیگر!

کسی اگر با شیوه فکری این انجمن و بنیانگذاران فکری و عقیدتی آن آشنا باشد دست برداشتن آنان را از تفکرات دیرینه بسیار مستبعد و چیزی شبیه محال خواهددید ، اگر چه امروز به نعمت آزادی و جمهوری اسلامی آنان هم دست به ترویج مبادی فکری و عقیدتی مؤسس "انجمن" پرداخته و با عنوان های امثال "مجالس و منابر" کتابچه هایی با آرایه ها و ویراستاری ها و حذف و اضافه های لازم به بازار روانه کرده اند .

این نوشته های مطبوع مبتنی بر ناگفته ها و نانمایانده هایی است که فقط مراجعه به تقریرات درسی دستنوشته آنها را بر ما برملا خواهد ساخت ، اندکی درنگ و تأمل و واکاوی ما را به زاویه های بسیار متباعد و متقاطع در این طرز تفکر آشنا خواهد کرد ، با این تأمل واضح خواهد شد که چنان چه استاد عالیقدر این مدرسه مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و شاگردان معظمش می پندارند ، بنیان های فکری آنان بیش از آن که مبتی بر وحی منزل باشد بر برداشت های یکسویه و نگرش های انحصارگرایانه مبتی است . جالب است که اساسی ترین اندیشه های آنان را می توان از مکاتب کلامی رقیب و معاند با تفکر عرفانی و فلسفی هم چون اشاعره و حتی مغایر با مکتب اهل بیت ، بدون اندک تفاوت در استدلال و استنتاج ، بازیافت .

آنگاه ادعای پرطمطراق تأسیس مکتب نوینی به نام "مکتب تفکیک" را از سوی نواندیشان این طیف و هم چنین ادعای اصیل بودن این ایده و انطباق صددرصدی آن با معارف عمیق و بلند اسلام و اهل بیت وحی را مشاهده کرد .

اگرچه جنب و جوش مؤسس انجمن ضد بهائیت جناب شیخ محمود تولایی حلبی ، انحصار به خود او دارد و لذا تأسیس این انجمن و رهبری آن هم از اختصاصات خود اوست و نمی شود شیوه تفکر او درباره مهدویت و انگاره حکومت در زمان غیبت را به همه همگنان و رفیقانش که در درس یک استاد زانو زده اند ، به همه آنان تعمیم داد ولی همه این شاگردان و استاد از یک آبشخور ، فکر بر می گیرند و در اصول و مبانی چون همدیگر می اندیشند لذا در فصل هایی که در پی می آید ، اساسی ترین مبادی فکری این طیف دست به دست هم داده تا چهره مکتب مورد ادعای آنان مورد کاوش قرار گیرد و نقاط خلأ به کمک همدیگر به وضوح گراید .

این طیف فکر که در بین شاگردان و هواداران آن استاد پراکنده است به خوبی ما را با جمعی آَشنا می سازد که خود را مشغول به ذمه ای می دانند که بیش از هرچیز آنان را ادای دین به استاد وادار به تحریر و نگارش نموده و البته رنگ و تلقین دین برای قبولاندن به مخاطب همیشه چاشنی می گردد تا فرصت تأمل و چون و چرا از مخاطب سلب و همه مطالب به صورت جزم آور بر مخاطب ؛ خواننده یا شنونده القا گردد ،

این خواننده محترم خواهد بود که دعاوی استاد و شاگردانش را در مهم ترین مبادی فکری مشاهده نماید و با آن همه تأکید بر تبیین اندیشه اسلام ناب آنان را از ادعا تا حقیقت مشاهده نماید .